

در حوزه **Scientific Writing** چه کاری انجام می دهیم ؟ سعی می کنیم گزارش آنچه که به شکل **Scientific Method** انجام شده را ثبت نموده و به سمع و نظر بقیه افراد که در آن حوزه کار میکنند برسانیم . مشخصات روش علمی چیست ؟ وقتی در حوزه علمی کار میکنیم مطمئنا تفاوت آن با حوزه های دیگر در این است که از دقت بالاتری برخوردار می باشد . مباحثی که مطرح میکنیم در حوزه های علمی از عینیت برخوردار بوده و بالاخره همه چیز در این حوزه شفاف و روشن خواهد بود.

همین مشخصات در ثبت گزارش یک کار علمی باید وجود داشته باشد . به عبارت دیگر وقتی یک مقاله را نوشته و ثبت می کنیم . این مقاله باید دقیق ، بر پایه داده ها و فرض های عینی بنا شده باشد و داده هایی که در دست داریم در باید به روشنی بیان شود. و بالاخره هر نتیجه گیری که می کنیم باید بر پایه داده های محکم به دست آمده باشد. و نتایجی که در واقع بر اساس ذهنیت های مختلف افراد شکل می گیرد معمولا نباید جایی در ثبت گزارش های علمی داشته باشد.

برای ثبت گزارش های علمی از فرمت خاصی استفاده می شود. ولی اگر از این فرمت به صورت همسان مانند همه نشریات و نوشته های علمی استفاده شود با استفاده از این چارچوب و قالب ، دشواری هایی دارد .

خیلی از پژوهش گران هستند که در حوزه پژوهش تبحر کافی داشته و پژوهش های خیلی خوبی را طراحی کرده و به خوبی اجرا میکنند ولی همان موقع همان پژوهشگران برای ثبت پژوهش هایشان به شکل یک مقاله و ثبت گزارش پژوهش های خود به مشکل برخورد کرده و نمی دانند که چه اطلاعاتی را در کدام قسمت ثبت کنند و نوشتن مقاله برای آنها یک معضل است . اگر چنین مشکلی است چرا بازهم تاکید می کنیم که براساس این چهارچوب و قالب مشخص ، گزارش های علمی ثبت بشود؟ دلایل متنوعی را می توان مطرح نمود ولی مهم ترین دلایل آن عبارت است از : هنگامی که از این فرمت استفاده می کنیم ، قالب یا چارچوب همسانی داریم و کمک میکند که در واقع دانشمندان ، پژوهش گران ، محققین و مخاطبانی که در یک حوزه کار میکنند زبان همسانی داشته باشند ، بنابراین اطلاعات مشخصی را در

مورد یک کار علمی می توانیم داشته باشیم . چارچوب یا قالب ، به فرد این امکان را می دهد که در گزارش خود ، چیزی را از قلم نداخته و از صحت اطلاعاتی که باید با سایر افرادی که در آن حوزه هستند به اشتراک بگذارد ، اطمینان داشته باشد . دلیل دیگر اینست که وقتی شما هر چیزی را که خوب طبقه بندی کردید و هر چیزی در جای مناسب خود قرار دادید در حقیقت ، چارچوب صحیح این کار را برای شما انجام داده است. وقتی به یک بخش از کل گزارشی احتیاج دارید مثلا می خواهید روش آن را بشناسید یا به یک مطلب خاصی احتیاج دارید دقیقا به آن بخشی که مطلب مورد نظر در آن ارائه شده می روید و از آن استفاده می کنید در نتیجه از هدر رفتن زمان و سر در گمی جامعه علمی که می خواهند از گزارش های علمی یا مقالات استفاده کنند کم خواهد شد . به عبارت دیگر بایک مثال این مطلب روشن تر می شود : اگر شما یک پژوهشگر یا مدرس باشید و قصد دارید در یک حوزه در مورد مساله ای مثلا روش تدریسی خاص ، اطلاعاتی بدست آورید اولین کاری که امروز باید انجام دهید جستجوی لغات کلیدی می باشد . مقالاتی که در دسترس شما قرار می گیرد ابتدا عنوان را مشاهده می نمایید زیرا به کمک عنوان می توانید بگویید کدامیک از این مقالات در آن حوزه ای که می خواهید کار کنید به شما کمک می کند یا اینکه متناسب و مرتبط نیست و بنابراین از آن صرف نظر می کنید. همچنین در مواردی که این عناوین ، لازمه کار شما بوده و می خواهید بعدا به سراغ **abstract** آن رفته و به صورت خلاصه ببینید که موضوع این کار چیست؟مرتبط هست؟می توانید از آن استفاده کنید یا نمی توانید؟و... میتواند مثر ثمر واقع گردد.

در مقالاتی که **abstract** آنها را مطالعه نموده و مشاهده کردید که مرتبط است ، ممکن است بخواهید ببینید که نوار پایه ی یکشان تاجه حد بوده طبیعتا اول بخش متد یا روش ها را ملاحظه می کنید . و یا ممکن است بخواهید ببینید که نتیجه گیری آخری که این کار انجام داده و پاسخی که به سوالی که در عنوان آمده و داده شده چیست؟ ممکن است به طور مستقیم بخش **Conclusion** را ملاحظه کنید و یا ممکن است ، **Discussion** و **Conclusion** را ببینید پس وقتی که اطلاعات طبقه بندی شده است شما میتوانید به راحتی مقدار اطلاعاتی را که لازم دارید در دسترس داشته باشید . از اینکه بخواهید در طول یک مقاله ای که ممکن است پنج صفحه باشد تا ببینید در کدام قسمت آن ، اطلاعات خاص شما در مورد مثلا روش انجام یا علت انجام یا هدف انجام وجود دارد ، مشاهده می کنید که این بخش در کدام قسمت از

Section های مختلف یک مقاله قرار دارد مثلا اگر اطلاعاتی در مورد یک روش می خواهید به بخش روش مراجعه می کنید و یا اگر می خواهید بدانید قصد نویسندگان از این کار چه بوده یا چه فرضیه ای مطرح بوده که این کار به دنبال آن انجام شده ، به انتهای بخش **introduction** می روید . چارچوبی که در اکثر نشریات پزشکی امروزه استفاده می شود وبعنوان مثال بخشی از نشریات پزشکی را تشکیل می دهد ، چارچوبی است مبنی بر اینکه بعد از عنوان، اسامی نویسندگان ، درجه علمی آن ها ، وابستگی موسسه ای آن ها مثلا اینکه در کجا کار می کنند ؛ در مرکز پژوهشی کار می کنند یا در مرکز دانشگاهی و... ثبت می شود و پس از آن خلاصه ای از کار تحت عنوان **abstract** نوشته می شود . پس از آن شما وارد اصل و بدنه کار می شوید که بخش های مختلف مقدمه ، روش ، نتایج ، بحث و در بعضی موارد که افراد خاصی کمک کردند که این کارانجام شود **acknowledgments** و بالاخره در انتها از منابعی که استفاده کرده اید و به آن ها رجوع کرده اید و در واقع کارتان را با آن غنی سازی نمودید و به عنوان **Reference** یا فهرست منابع در انتها می آید .

چرا از این چارچوب استفاده می کنیم ؟

به دلیل اینکه این چارچوب به خوبی فرآیند پژوهشی ای را که انجام داده ایم پوشش می دهد ، به چه ترتیب؟ هنگامی که شما یک کار پژوهشی را انجام می دهید اول می خواهید به طور خلاصه بدانید که در یک نظر چه اتفاقی افتاده؟ **abstract** ، این کار رابرای ما انجام می دهد. وقتی در واقع می خواهیم به طور مفصل یک کار را توضیح دهیم اول باید بگوییم چه مسئله ای بوده ، چه فرضیه ای در ذهن داشتیم که می خواستیم آن را رد یا اثبات کنیم ، شواهدی به نفع آن پیدا کنیم یا شواهدی در رد آن بیابیم و یا این که در واقع این سوال از چه اهمیتی برخوردار بوده و چرا ما به این مسئله پرداختیم و این مسئله در واقع چه بوده و... را در بخش **introduction** می توان یافت . مبحث بعدی که باید در رابطه با کار پژوهشی خود صحبت کنید اینست که اگر مسئله یا فرضیه ای وجود داشته چگونه یا با چه روشی سعی کردید آن را رد کنید و یا شواهدی به نفع آن یا در رد آن بیابید و یا به چه طریقی می خواستید جواب سوال را بدهید . در بخش **Method** این اطلاعات گنجانده می شود نتیجه بعدی اینست که وقتی ما مسئله را داشتیم ، راه حل را هم توضیح داده ایم . این اطلاعات در بخش نتایج دیده می شوند .

در وهله بعدی ، اطلاعاتی را که بدست آورده ایم چه معنایی در تفسیر مسئله یا در پاسخ به سوال مورد نظر ما دارد؟ در بخش **Discussion** این اطلاعات را می توانیم داشته باشیم .

هنگامی که کاری را انجام می دهید در واقع قصد دارید از کسانی که به شما کمک کرده اند قدردانی نمایید بنابراین در بخش **acknowledgments** ، اسامی افرادی که کمک نموده را قید می نمایید . منابعی که استفاده نمودید همواره مهم می باشد زیرا با وجود آن می توانیم نشان بدهیم که در حوزه ی انجام شده که به رد یا اثبات فرضیه پرداخته ایم اطلاعات کافی داشته و اینکه نظر سایر افراد در رابطه با این حوزه چه می باشد و یا اینکه پژوهشگران تا به حال این مسئله را به کجا رسانده و ما می خواهیم از کجا شروع کنیم بنابراین باید از منابع معتبر و صحیحی استفاده کرده باشیم تا بدین وسیله به سایر افراد ، اهمیت منابع استفاده شده را منتقل نماییم .

ممکن است در برخی موارد بخواهید به اطلاعات جزئی تر و مفصل تر اشاره نمایید که در گزارش معمول نمی گنجد که در اینگونه موارد شما در قالب ضمائم یا **Appendices** در انتهای مقاله ، به این مباحث می پردازید .

مبحث عنوان

هدف عنوان چیست؟ عنوان به طور موجز به این موضوع می پردازد که با چه محتوایی روبرو خواهیم بود؟ به عبارت دیگر اولین معرفی کار بوده که احتمالا توسط اکثر خوانندگان این مطلب دیده شده و به احتمال قوی تر، اکثر این افراد منحصر از طریق عنوان، وارد کار ما می شوند .

کارکرد آن چگونه می باشد؟ چگونه مقاله ی شما در دسترس افراد هدف قرار می گیرد؟ امروزه افراد به کمک بانک های اطلاعات الکترونیک جستجو نموده و به مقاله شما دسترسی پیدا می کنند. هنگامی که مقاله شما در اختیار آن ها قرار می گیرد قبل از اینکه حتی مقاله را دیده یا انتخاب کنند، عنوان مطلب را مشاهده می کنند.

چه اجزایی باید در عنوان وجود داشته باشد؟ درعنوان قصد داریم بیشترین اطلاعات را در مورد محتوای گزارشی که خواننده با آن روبرو خواهد شد به صورت خلاصه شده در اختیار وی قرار دهیم .

بعنوان مثال در مورد **medium** مطالعه باید ملاحظه کرد که موضوع مورد نظر مثلا یادگیری (**learning**)، اگر برای شما اهمیت دارد باید در عنوان آورده شود. زمانی که از **Intervention** استفاده نموده یا مداخله ای انجام می‌دهید، باید اشاره شود که چگونه مداخله‌ای بوده است؟ آیا این مداخله را در رابطه با **Assessment** انجام شده است؟ یا در طرح درس مداخله نموده‌اید؟ آیا فعالیت جدیدی برای بچه‌ها طراحی شده است؟ و... هر مداخله‌ای که برای شما اهمیت داشته، می‌تواند بعنوان جزء اصلی کار شما در بخش عنوان ثبت شود و یا ممکن است اندازه‌گیری پاسخ مخاطب برای شما اهمیت داشته مثلا رضایت دانشجو از کار شما و یا ارتقای عملکرد آن‌ها در مداخله شما مهم بوده که این موارد در عنوان، بسته به اینکه چه کاری انجام می‌دهید باید لحاظ گردد. در مثال‌های مربوط به بخش عنوان بیشتر با این موضوع آشنا خواهید شد و اهمیت آن را درک خواهید نمود. بعنوان مثال آزمون **Setting** مورد نظر، **Community** بوده و یا **Setting** بیمارستان یا کلاس درسی بوده است؟ و... که این موضوع برای ما اهمیت بسیاری داشته زیرا **setting** مورد نظرمان را مشخص می‌کند. اگر این موضوع مرتبط با کار انجام شده باشد بهتر است که آن را در عنوان ذکر کنیم و موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد که بسته به موضوع کار، پژوهش و مهم ترین ابعاد کار را باید در آن دید. اما ژورنال‌های پزشکی که ژورنال‌های آموزشی-پزشکی بخشی از آن را تشکیل می‌دهند، برای ساده کردن کار، اعلام نموده‌اند که سه حیطه اصلی باید در عنوان گنجانده شود. یکی از این موارد، **Topic** یا موضوع اصلی بوده که میتواند شامل سوال یا فرضیه اصلی شما باشد. مساله دوم اینست که با چه نوع طراحی، این سوال یا فرضیه، آزمایش شده است؛ که این موضوع (طراحی) نیز باید در آنجا گنجانده شود و بالاخره درباره چه جمعیتی، این مطالعه را انجام داده‌اید. قاعده کلی یا عمومی که می‌توان از آن استفاده نمود هنگامی است که عنوان را نوشته و قصد داریم خوب یا بد بودن آن را ارزیابی نماییم. در نظر بگیرید که امروزه به هنگام نگارش مقاله از شما درخواست می‌شود که کلمات کلیدی یا **Key Words** را مشخص نمایید. هنگامی که قرار است مقاله‌ی شما جستجو شود، بر اساس همان کلمات کلیدی که شما قرار داده‌اید به دست مخاطب خواهد رسید. اگر بعد از طراحی کلمات کلیدی مشاهده نمودید که این کلمات در عنوان کار شما وجود دارند بنابراین عنوان مناسبی را انتخاب نموده‌اید.

چنانچه پس از طراحی کلمات، مشاهده نمودید که در جوامع علمی و در عنوان، کلمات کلیدی را نمی‌بینید ممکن است که عنوان شما مناسب نباشد. به این دو مثال توجه کنید:

Teaching research methodology in medical school students attitudes towards and knowledge about science

حال تحلیل می‌کنیم که آیا این عنوان، مناسب می‌باشد؟ موضوع مطرح شده، آموزش روش پژوهش تحقیق در دانشکده‌های پزشکی می‌باشد؛ روش آن چگونه بوده است؟ روش را به طور روشن بیان نکرده که **Survey**، **Experimental design** یا اینکه چه روشی می‌باشد؟ اما در توضیح بعدی بیان می‌شود که: نگرش دانشجویان درباره دانش، تا حدی به ما سرنخ‌هایی می‌دهد که به احتمال قوی **Survey** بوده ولی به طور مشخص گفته نشده که

چه نوعی می‌باشد، اما جمعیت آن بیان شده، که همان جمعیت دانشجویان است. اینجا مشخص شده که نظر، نوع دانش، نگرش، رضایت اساتید و مدیران آموزش در این کار مطرح نبوده، و تنها دانشجویان به عنوان جمعیتی مطرح بوده که کار روی آن‌ها انجام شده است. پس **Population** وجود دارد، **Topic** هم به طور روشن گفته شده است که بعنوان مثال در این مورد، آموزش، روش پژوهش است ولی اشاره مستقیم به روش پژوهش یا طراحی آن نشده هر چند که شما می‌توانید بر اساس اطلاعاتی که در مورد آن روش داده شده است، برداشتی داشته باشید. عنوان دوم:

. Portfolio use in general practice vocational training: a survey of GP registrars

ببینیم که چه اجزایی در آن کم می‌باشد؟ **Portfolio use in general practice vocational training** استفاده از **Portfolio** که می‌دانید یکی از ابزارهای سنجش بوده و همچنین ابزاری کاربردی در آموزش پزشکان عمومی می‌باشد. در مرحله‌ی بعدی **design** بیان شده که این یک **survey** بوده و جمعیتی که مطالعه بر روی آن انجام شده در واقع **registrar**ها بوده‌اند؛ کسانی که قصد داشتند بعداً در حیطه پزشکی عمومی اشتغال داشته باشند.

Abstract

کارکرد **abstract** یا خلاصه در ابتدای مقاله چیست؟ خلاصه مقاله کمک می‌کند که یافته‌ها و موارد مهمی را که در مقاله مطرح شده بطور خلاصه در ابتدا بیاوریم. همانطور که می‌دانید بیشترین بخشی که در مقاله خوانده می‌شود از، بخش **abstract** می‌باشد؛ کسانی که علاقه دارند شرح مبسوط‌تری از کار را ملاحظه نمایند، معمولاً پس از خواندن **abstract** به اصل کار مراجعه می‌کنند. **abstract** چه اجزایی دارد؟ شما باید در قالب یک پس زمینه هدف را بیان کنید و اهم مطالب در مورد متد را توضیح دهید و نتیجه گیری اصلی کار را به صورت مختصر بیان نمایید. امروزه به دلیل اینکه دسترسی و حتی خواندن خلاصه مقاله یا **abstract** را راحت‌تر نمایند، بیشتر نشریات علاقه دارند که این بخش را به شکل ساختار یافته چاپ کنند. به این ترتیب که از نویسندگان درخواست می‌کنند که **Abstract** کار را به شکل **background, method, result, conclusion, and purpose** تقسیم کرده و توضیح دهند.

پس تفاوتی ندارد که چارچوب **abstract**، ساختار یافته یا ساختار نیافته باشد. در هر صورت مواد مربوط به این عناوین باید داخل آن گنجانده شود. شکل صفحه‌بندی در مقالات مختلف، متفاوت می‌باشد. بعضی **abstract** را در یک پاراگراف قرار می‌دهند و حتی آن را **bold** هم نمی‌کنند و برخی افراد نیز برای هر کدام از مواد **Abstract**، یک پاراگراف مجزا استفاده می‌کنند. این موارد در چارچوب مفهومی موادی که باید در این بخش گنجانده شود تفاوتی ایجاد نمی‌کند و بیشتر به صورت یک مبحث صفحه بندی است. اما در بخش **background & purpose** چه باید

گفت؟ در بخش **background & purpose** موضوع مهم این است که در یک یا دو جمله به شکل کوتاه پس زمینه‌ای از کار را معرفی نموده و در جمله بعدی هدف یا فرضیه انجام کار را به طور مشخص بیان نمایید.

بخش **background& purpose** ، مشخصا از **introduction** مقاله برگرفته می‌شود. کلیه اطلاعات **abstract** به صورتی نیست که بعد از نوشتن مقاله دوباره مجبور شوید آن‌ها را بازنویسی کنید و پدیده یا نوشته‌ی جدیدی داشته باشید. قسمت بعدی خلاصه مقاله، بخش **method** می‌باشد. در بخش **method**، ابزارهای سنجش خود را از طرح استفاده شده قرار دهید.

در ضمن باید شکل یا طرح انجام مطالعه را به طور مشخص بیان نمایید؛ بعنوان مثال مطالعه انجام شده یک **survey** بوده یا یک نظرسنجی؟ و... . ممکن است در مواردی تشخیص دهید که نام بردن به تنهایی، اطلاعات کافی را در اختیار مخاطب قرار ندهد؛ در اینصورت ممکن است شرح بسیار مختصری از شکل و روش انجام کار ارائه دهید.

شما به طور مفصل فرصت دارید که اطلاعات را در بخش **method** مقاله بگنجانید. در این بخش اطلاعات مختصری در مورد چارچوب اصلی روش انجام کار به مخاطب داده می‌شود و یا اینکه از چه چارچوب اصلی برای طراحی مطالعه استفاده شده است. بخش بعدی **Result** می‌باشد. ممکن است در یک مطالعه متغیرهای متعددی داشته باشید ولی تعداد معدودی از این متغیرها هستند که اهمیت اصلی داشته و به طور مستقیم با پاسخ سوال مطالعه شما مرتبط می‌باشند. این اطلاعات اصلی را در بخش نتایج ثبت نمایید. اطلاعات فرعی‌تر و موارد دیگر در بخش **Result** در **abstract** گنجانده نمی‌شود بلکه این اطلاعات و یافته‌ها در بخش نتایج در بدنه اصلی مقاله ثبت خواهد شد. بخش بعدی از قسمت **Discussion**، بخش **conclusion** است. در قسمت **conclusion** ، تنها در دو سه جمله فرصت دارید که نتیجه‌گیری نهایی به دست آمده از کار یا پاسخ سوال یا فرضیه را بیان نمایید. بعضی از مجلات پزشکی از شما درخواست می‌کنند که در انتها، رهنمودی برای مطالعات تکمیلی بعدی درج نمایید که این موضوع معمولا در بخش **conclusion** ثبت نمی‌شود.

اطلاعات بخش **conclusion** را از کجا بدست می‌آورید؟ اطلاعات بخش **conclusion** اطلاعاتی هستند که در قسمت **Discussion** یا بحث مقاله شما به تفصیل در آن رابطه گفتگو کردید. چکیده یا اصل نتیجه‌گیری را که معمولا در انتهای **Discussion** ذکر می‌کنید، در **Discussion conclusion** نیز ذکر نمایید. لازم به ذکر است بعضی از نشریات هنگامی که صفحه‌بندی را انجام می‌دهند در انتهای بخش **abstract** از **Key words** نیز استفاده می‌کنند ولی **Key words** ذاتا یکی از اجزای **abstract** از نظر مفهومی نمی‌باشد. **abstract** نوشته شده با توجه به کمبود فضا برای هر کدام از بخش‌ها باید ۵۰ تا ۶۰ کلمه باشد.

قاعده کلی این است که از دید یک خواننده به موضوع بنگرید. اگر **abstract** مقاله‌ی شما را مطالعه نماید در نتیجه دید کلی گرفته و بعداً نیز می‌تواند مطالعه یا تحقیقی در این زمینه انجام دهد، و در صورتیکه بتوان چنین دیدی نسبت به **abstract** داشت، این **abstract** کامل بوده و خلاصه‌ی کار شما را به طور جامع نشان می‌دهد.

سبک نگارش **abstract** موارد مهمی داشته که باید به آن توجه کرد. در بخش **abstract** فقط **text** وجود دارد. در نوشتن **abstract** از قرار دادن جداول یا اشکال اجتناب باید نمود. سعی کنید تا آنجا که می‌شود از **active voice** استفاده کنید هر چند در نوشته‌های علمی مجبور هستید که از **passive voice** استفاده زیادی نمایید نکته‌ی مهم این است که علیرغم اینکه فرصت و فضای زیادی برای نگارش ندارید باید از جملات کافی استفاده نمایید. **Abstract**، گزارش یا نتیجه‌ی رویدادی است که قبلاً اتفاق افتاده و آن را گزارش می‌کنید. معمولاً زمان مورد استفاده باید زمان گذشته باشد و مد نظر داشته باشید که هرچند وقت یکبار **abstract** مقاله در نشریات مختلف متفاوت است ولی اکثر نشریات، فضایی بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ کلمه در اختیار شما قرار می‌دهند؛ هر چند که نشریات سخت‌گیرتری وجود دارند که ۱۵۰ کلمه جهت فضای **abstract** اختصاص می‌دهند و نشریاتی که فضای بیشتری به شما می‌دهند حتی تا ۵۰۰ کلمه **abstract** را قبول می‌کنند.

ولی معمولاً اگر عادت کنید که این کار را با ۲۰۰ تا ۳۵۰ کلمه به طور خلاصه ارائه دهید، به شما کمک می‌کند که در اکثر نشریات به راحتی **abstract** را بدون نیاز به اصلاحیه درج نمایید. هنگام نوشتن **Abstract** باید توجه داشته باشید که فضای موجود را بیهوده هدر ندهید. هر قدر که در قسمت **introduction** تفصیلی‌تر صحبت می‌کنید باید در بدنه‌ی مقاله در بخش **abstract** خیلی کوتاه و حداکثر یک یا دو جمله توضیح دهید. در **abstract**، لازم نیست ارجاعاتی را درج نمایید. جملات به همان صورت که ذکر شده مناسب می‌باشد؛ اگر از **abbreviation** استفاده می‌کنید و این **abbreviation** در حوزه کاری شما شناخته شده نیست بهتر است از کلمه‌ی کامل استفاده نمایید. اگر عبارت **abbreviation** شما به صورت متعددی در **abstract** وجود دارد قاعده این است که اولین بار بطور کامل **abbreviated** را بنویسید بلکه باید آن را داخل پرانتز قرار دهید و سپس از **abbreviation** استفاده نمایید. همانطور که گفته شد هیچ گونه منبع، جدول و یا شکلی در **abstract** استفاده نمی‌شود.

INTRODUCTION

در بخش **Introduction**، دو کارکرد اصلی داریم یکی اینکه **context** یا بستری که کار در آن اجرا می‌شود از نظر مفهومی، حوزه علمی را که در آن فعالیت می‌کنید نشان می‌دهد. مثلاً اگر در حوزه ارزشیابی (مثلاً بالینی) کار می‌کنید باید یگوئید که روش‌های ارزشیابی در حوزه بالینی با چه مشکلاتی رو در رو هستند؟ و یا انجام آن چه مقتضیاتی دارد؟ چه مشکلی را مشاهده نمودید که قصد آزمایش آن را داشتید تا از صحت و برتری روش جدید خود نسبت به روش قبل اطمینان حاصل نمایید؟ پس می‌بایست این مباحث را در **context** کار توضیح دهیم. بخش دیگری که برای

وضوح و بروز **context** باید انجام دهیم اینست که قبل از گفتن هدف بگوییم که تا به حال چه کارهایی در این زمینه انجام شده است؛ و نیز قبلا از چه روش هایی استفاده شده است؟ همچنین به این موضوع نیاز دارید که از منابع ادبی موجود استفاده نموده و وضعیت موجود را بر پایه ی این منابع تشریح نمایید و اینکه بعنوان مثال هدف اختصاصی شما از این کار سنجش کارایی روش جدیدی است که خود شما برای یک موسسه **Adopt** نمودید . پس هدف خود را در قالب فرض ، سوال یا یک مساله باید به صورت خیلی واضح در انتهای بخش **Introduction** بیاورید . بحث دیگر اینست که علاوه بر **Background knowledge** که **context** را می سازد و علاوه بر هدفی که انجام می دهیم باید منطقی را که در کار اتخاذ نمودیم تا حدی توضیح دهیم . به عبارت دیگر وقتی می خواهید ببینید **Component** ی کافی در **Background** کار وجود دارد یا خیر ؛ باید به این سوالات پاسخ دهید : چرا مطالعه می کنم؟ سوال دومی که باید پاسخ دهید اینست که به چه دلیل این کار یا فرضیه را آزمایش می کنم و به چه دلیل این مشکل خاص را مورد توجه قرار داده ام؟ مساله بعداینست که وقتی **Introduction** این مقاله را نوشتید و می خواهید تحلیل کنید که مناسب هست یا نه باید جواب این سوالها را بتوانید از **Introduction** پیدا کنید و بالاخره اینکه در بخش **context** باید بتوانید به این سوال پاسخ دهید که واقعا پیش از اینکه این کار را انجام دهید در رابطه با این موضوع چه اطلاعاتی داشتید؟

بنابراین **titration** مرتبط باید به اندازه کافی به عنوان **context** کار در بخش **Background** آورده شده و بالاخره در مورد اهمیت کار خود نظر دهید که تا چه اندازه ای فکر می کنید که **approach** انتخاب شده نسبت به سایرین می تواند یک گام جلوتر رود و به عبارت دیگر شما باید بتوانید به این سوال پاسخ دهید :

How will this study advance our knowledge?

ساختار **Introduction** به چه ترتیب می باشد؟ با توجه به نظر سایرین باید گفت که ساختار **Introduction** ، مثلث معکوس است یعنی مثلثی که قاعده آن به سمت بالا می باشد ؛ چرا؟

به این دلیل که منابع و مراجعی که نشان دهنده وضعیت کنونی بوده در ابتدا می آید و سپس کم کم و به طور اختصاصی زمینه را مهیا می کنید تا به مشکل اصلی مورد نظر خود پرداخته و فرضیه یا سوال خود را به طور مشخص بیان نمایید ؛ که این موضوع راهکار دیگری برای اثبات صحت **Introduction** می باشد .

در ابتدا باید به اطلاعات کلی و وضعیتی که تاکنون وجود داشته پردازید و سپس سوال اصلی مطالعه خود را به طور شفاف در انتها بیان نمایید . بنابراین اگر به عنوان یک خواننده از اسلوب نویسنده استفاده کرده باشید باید به راحتی بتوانید در پاراگراف آخر ، هدف اصلی پژوهشگر را به دست آورید و برای اینکه این چارچوب را بنویسیم باید از استراتژی اکثر نویسندگان ها و افرادی که به طور حرفه ای به مقاله نویسی می پردازند از معکوس این روند استفاده نماییم

یعنی از نوک مثلث شروع نموده تا به قاعده آن برسیم . به عبارت دیگر چیزی که در ابتدا برای ما مشخص است اینست که چه سوال یا فرضیه ای داریم و یا چه مساله ای وجود دارد که ما می خواهیم با انجام پژوهش آن را حل کنیم سپس هنگام شروع مقاله ، **component** ها یا مقاله های دیگری که مرتبط با این هدف می باشد را می توانیم پیدا نموده و کم کم **context** را برای بخش مقدمه فراهم نماییم . نکاتی وجود دارند که انجام آن ها هنگام نگارش **Introduction** لازم و مفید می باشد . ابتدا باید توجه داشته باشید که در بخش اول یعنی در قاعده مثلث به طور دقیق **introduction** را توضیح دهید . بعد از اینکه **context** را به روشنی توضیح دادید باید بتوانید برای تفسیر مشخصه آن از منابع مختلف استفاده نمایید . اگر نظرات مختلفی در این رابطه وجود دارد باید به همه آن ها اشاره نمایید به گونه ای که مباحث مهم از قلم نیفتد . نکته ی مهم بعدی **function** یک **introduction** خوب می باشد که باید **context** و هدف مطالعه را به ما بدهد . پس به یاد داشته باشید که در انتها باید هدف مطالعه را به طور مشخص بیان نمایید . **introduction**ی که در انتهای آن نمی توان گفت که هدف مطالعه چه خواهد بود ، **introduction** مناسبی نیست و بالاخره اینکه بیان آن بتواند به پیشبرد موضوع در حوزه ی علمی خاص کمک نماید. نگارش **introduction** ، یکی از علائم نشان دهنده ضعف و قوت نویسنده می باشد و **introduction** ، جامعیت یا شناخت کلی نویسنده را در رابطه با همان حوزه کاری می طلبد .

Results

کارکرد بخش **result** چیست؟ کارکرد اصلی در بخش **result** این است که شما می خواهید داده های مرتبط با سوال یا فرضیه اصلی مطالعه خود را به صورتی قابل فهم برای خواننده بدون هیچ گونه تفسیری از خود ارائه دهید . شما در این کار می توانید از انواع روش های ارائه ی اطلاعات استفاده نمایید؛ بعنوان مثال می توان از جدول ، شکل و روش های مختلف خلاصه سازی استفاده نمایید.

ساختار یک **result** خوب به چه صورت می باشد؟ باید بررسی کنید که سوال یا فرضیه شما حول چه متغیرهای اصلی قابل پاسخ دادن می باشد . اطلاعات مربوط به متغیرهای اصلی را می توانید به طور خلاصه در چارچوب جداول یا نمودارها طراحی کنید . سپس باید به ترتیب ، توالی منطقی بین تقدم و تاخر اطلاعات را ذکر نمایید تا به نتیجه گیری مورد نظر برسید . مثال زیر مربوط به متن یک جدول می باشد :

The duration of test had a pronounced effect on reliability of results (fig.2). test with more than 20 station had the highest reliability (92%) 1.65 times that of the 12-station tests. همین طور که در این متن ملاحظه می کنید ، زمان تست تاثیر عمده ای بر میزان **reliability** دارد . اطلاعات مربوط به

بالاترین **reliability** در پراکنش ذکر شده و در مجموع در بخش **result** باید به این نکته توجه داشت که بدون این پراکنش ها و اطلاعاتی که وجود دارد باید جمله یک جمله ی کامل باشد که به اطلاع مخاطب می رسد . نگارش نکات مهمی که در بخش **result** علیرغم اینکه ساده به نظر می آید ولی باید توجه کرد که نباید از نتایج منفی چشم پوشی نمایید . اگر شما قصد داشتید که فرضیه ای را تقویت کنید اما باعث تضعیف آن شدید در این صورت باید این نتایج را ذکر کنید . اطلاعات مربوط به متغیرهایی که از قبل پیش بینی کرده بودید را حتما باید قید نمایید . ضمنا در بخش **result** باید سیر منطقی یک توالی از تمام اطلاعات داشته باشیم . توالی منطقی چه معنایی دارد؟ اینکه در هر کاری چه چیز مقدم تر بوده و یا اینکه باید ابتدا به کدام مطلب ، چیزی اضافه کنید . نکته ی بعدی این است که خلاصه ی تحلیل آماری را هم باید به شکلی در متن قید نمایید که معمولا در پراکنش وارد می شود و به خواننده نشان می دهد که این مفهوم از نظر آماری- تحلیلی چه وضعیت دارد . در زیر نویس توضیحات جدول این موارد را قید نمایید: ابتدا این است که الزام ندارد که شما هر اطلاعاتی را که در نمودار جدول داشته و خلاصه نمودید ، برای مخاطب ذکر کنید، یا به شکل روایی دوباره تکرار کنید زیرا جدول برای نمایش همین اطلاعات ساخته شده است . نکته ی دیگر اینست که هنگامی که امکان خلاصه سازی اطلاعات به صورت میانگین یا درصد وجود دارد بهتر است که به همین صورت ذکر شوند و لزومی ندارد که اطلاعات خام جداول را از داخل طرح پژوهشی بعنوان نتایج پژوهشی خام اولیه در مقاله وارد کنید . نکته ی مهم دیگر این است که گاهی اوقات استفاده از نمودار بهتر از جدول می باشد و شما به عنوان مولف باید در نظر بگیرید که کدام یک از شکل ارائه اطلاعات بهتر است ؛ بسته به موضوع انتخابی شما و هم مربوط به سلیقه نگارنده است . ولی وجود جدول و نمودار با هم مفید نمی باشد چون فضای اضافی اشغال نموده و همچنین زمان و کار بیشتری را می طلبد . نکته مهم دیگر این است که دو نوع اطلاعات برای ما اهمیت دارند . اول اینکه هنگامی که یک تحلیل آماری انجام می دهیم و تفاوتی را ملاحظه می کنیم که از نظر آماری با شانس متفاوت است ؛ بنابراین از واژه ی **Significant** استفاده می کنیم . یکی از مهم ترین جاهایی که از واژه **Significant** استفاده می شود ، مقالات پزشکی و آموزش پزشکی می باشد و هنگامی به کار می رود که شما یافته جدیدی را به دست آورده اید که این یافته از آن چیزی که انتظار می رود فقط در اثر شانس ایجاد شود متفاوت خواهد بود حال یا بیشتر است یا کمتر ؛ در هر صورت نشان می دهد که مداخله شما ، تاثیری را که احتمالا در نظر داشتید بر جای گذاشته است که در اینجا معمولا از واژه ی **Significant** استفاده می کنیم . کاربرد دوم **Significant** در جایی است که بعضی از مولفین به این مفهوم که این یافته در این حوزه معنایی خود از نظر مثلا **teaching** اهمیت دارد یا اگر در حوزه بالینی هستیم ، از نظر تفاوت بالینی که ایجاد می کند اهمیت دارد . بنابراین کاربرد اول **Significant** از نظر آزمون های آماری است و کاربرد دوم از نظر عملکرد و اهمیت آن در حوزه خاص شما می باشد ؛ ولی معمولا بهتر است هنگامی که به نوشتن مقاله می پردازید **Significant** را برای جایی استفاده کنید که مفهوم آن معنادار بودن از نظر آماری است . بنابراین اگر مقدار یا اندازه را قید نمی کنید و به جداول و اطلاعاتی که به شکل یک نمودار یا جدول می باشد بسنده نموده و از آن برداشت

کردید ، مقدار و اندازه ی اندکس را قید نمی کنید . می توان از واژه ی **Significant** استفاده نمود ولی اگر قید می کنید مثلا می گوئید که **p-value** این مورد ، **p** زیر پنج صدم است بنابراین قید واژه ی **Significant** کار اضافی محسوب می شود . بنابراین در بخش **Results** باید توجه داشته باشید که تمام یافته هایی که مرتبط با متغیرهای اصلی شما بوده یا به سوال مورد نظر شما پاسخ داده یا در راستای فرضیه شما می باشند را قید نمایید . توجه داشته باشید که داده ها را چند بار ثبت نکنید . در مورد جداول و نمودارها ، توصیف دوباره آن ها به شکل روایی در طول متن اشکال داشته و شما فقط باید به مهمترین و کلیدی ترین یافته هایی که جدول یا نمودار نشان می دهند بسنده کنید. استفاده از **Significant** نیز باید محدود شود به مواردی که می خواهیم این مفهوم را منتقل کنیم که این متغیر ها از نظر آماری تفاوت پرمعنایی دارند .

Discussion

کارکرد بخش بحث یا **Discussion** در یک مقاله چیست؟ در قسمت بحث ، مهم ترین کاری که باید انجام دهید این است که نتایج بدست آمده چگونه به سوال یا فرضیه یا مشکلی که در **Introduction** مطرح نمودید ، پاسخ می دهد . به عبارت دیگر بخش **Discussion** ، نشان دهنده مبانی مشکل یا فرضیه ای است که در **Introduction** مورد بحث قرار داده اید . بنابراین ، **Discussion** تعلق مستحکمی با بخش **Introduction** دارد . زمانی هم که می خواهید نگارش آن را انجام دهید ، متوجه خواهید شد که برای هر دو بخش مجبور هستید که یکی از فعالیت های مشترک آنها را که مرور متون است باید انجام دهید . پس تفاوت این دو بخش چه می شود ؟ در بخش **Introduction** همانطور که قبلا گفته شد یک **Background** یا مبنا یا بستری را آماده می کنیم تا مشاهده کنیم که مشکل مورد نظر در چه بستری مطرح می شود و چرا پاسخ این مساله برای ما اهمیت دارد . بنابراین نوشتن **Discussion** بر خلاف تفکری که معمولا بین نگارنده ها و مولفین وجود دارد ، نوشتن دوباره مقدمه به یک زبان دیگر نیست بلکه تکمیل آن می باشد و نشان دهنده عملکرد و مطالب جدیدی است که توسط کار علمی ما به مطالب قبلی دیگران افزوده شده است . به عنوان اولین سوال باید به خود بگوئید که آیا نتایج بدست آمده به فرضیه مورد نظر شما پاسخ می دهد یا خیر؟ اگر پاسخ میدهد چگونه است؟ تفسیر شما از پاسخ باعث ایجاد فرضیه شما می شود؟ بخش دوم که در بخش **Discussion** باید به آن پاسخ دهید این است که از کاری که انجام داده اید دفاع نمایید و ابزار و روش استفاده شده را توضیح دهید. بخش دیگری که در مبحث **Discussion** باید به آن پردازید این است که کاری که انجام داده اید ممکن است چه مشکلاتی داشته باشد و یا اگر خودتان در مقام یک داور باشید چه چالش هایی را در رابطه با این کار مطرح می نمایید. باید این چالش ها را فهرست کرده و اگر پاسخی دارید ذکر نمایید . سوال دیگری که معمولا در بخش بحث به آن پاسخ می دهیم این است که یافته شما تا چه میزان هم راستای مولفین و یا سایر پژوهشگرانی است که در این رابطه سخن گفته یا مقالاتی داشته اند و اگر تفاوتی دارد به چه دلیل ناشی شده ، آیا آنها در کار خود مشکلی داشتند و یا در هر بخش از مطالعه مشکل داشتند که به نتیجه متفاوتی دست یافتند . این تفاوت بین کارهای مختلف و ثبت آن در

بخش **Discussion** به مخاطب کمک می کند تا حوزه کار علمی مفهومی که در آن حیطة وجود دارد را بهتر بشناسد. نتیجه گیری کلی این است که استنتاج شما چه درک جدید یا دانش جدیدی تولید نموده و بطور خلاصه می توان گفت که این همان بخشی است که شما اطلاعات بحث را در بخش **abstract conclusion** وارد می کنید که موضوع بسیار مهمی می باشد زیرا دلیل این همه زمان ، پژوهش و هزینه را به مخاطب پاسخ می دهد . از بحث محتوا که عبور کنیم به بحث نگارش می رسیم . معمولا چون نظرات خود را بیان می کنید استفاده از اول شخص بیشتر از بقیه بخش های مقاله به چشم می خورد . این نکته نوعی تهدید به شمار می رود زیرا نباید هر آنچه را که استنتاج می کنید در بخش **Discussion** بنویسید . استنتاجات، توضیحات و دلایلی را که از زبان خود مطرح می کنید اولاً باید مستند کافی داشته باشد و فقط نظر خود را بیان نکنید . دوم اینکه باید در شیوه ی نگارش خود روشن کنید که تابع چه سطحی از قطعیت می باشید و نتیجه گیری قطعی را هنگامی انجام دهید که شواهد کافی وجود داشته باشد و این موضوع را به عنوان نتایج قطعی نباید به خواننده معرفی کنید بلکه این عدم قطعیت را باید در شکل نگارش خود اجرا نمایید . نکته ی خیلی مهم دیگری که باید مد نظر داشته باشید این است که در بخش **Discussion** ، نباید تمامی متغیرهایی که در بخش **result** مطرح نمودید دوباره و عینا انعکاس دهید بلکه چیزهایی که مهم بوده و در راستای پاسخ به سوال اول یا فرضیه ی مورد آزمون می باشد را باید وارد نمایید و مساله ی مهم تر این است که نمیتوانید به یک سری از اطلاعات در بخش نتایج استناد کنید که خواننده نتواند آن ها را پیدا کند . هر داده ی جدیدی که قرار است به عنوان اطلاعات یافته ی مطالعه شما باشد باید حتما در بخش نتایج آورده باشید . اگر موضوع جدیدی را هنگام نوشتن ملاحظه نمودید و قصد داشتید که راجع به آن توضیح دهید باید یک بار دیگر بررسی کنید که مبدا قبلا به صورت تکراری ، این موضوع را در بخش **result** ذکر کرده باشید و اگر این چنین نبود حتما به بخش **result** اضافه کنید . نگارش مقاله کار خطی نیست که به ترتیب نوشته شود بلکه بخش های مختلف نوشته شما می توانند به یکدیگر کمک کنند تا بخش های قبلی تکمیل شوند . بنابراین یک بحث خوب از مجموع کار دفاع نموده و شما نیز از ضعف و قوت کار خود مطلع خواهید شد .

Acknowledgements and referencing

ممکن است در مورد کاری که انجام می دهید افراد زیادی به شما کمک کرده باشند و این کمک ، حق تالیف برای آنها ایجاد نکند ولی برای کار شما ارزشمند بوده و لازم است که از آنها تعریف شود . در بخش **Acknowledgements** از زحمات این افراد قدردانی می نمایید . مبحث بعدی که فنی تر و بسیار مهم می باشد و حقوق معنوی سایر افراد را حفظ می نماید بحث **reference** دادن است . چرا **reference** می دهیم ؟ و **reference** دادن چیست ؟ به این دلیل **reference** را ذکر می کنید تا سایر افرادی که مقاله را مشاهده می کنند از منابع استفاده شده توسط شما مطلع شوند و یا اینکه از **Quotations** یا علامت نقل قول استفاده کنید که به ترتیبی نشان دهید از مطالعه ی فرد یا کتاب دیگری که چاپ شده یا نشده استفاده شده است . به این ترتیب ایده های افراد و حقوق معنوی آنها حفظ می شود و از طرف

دیگر نیز مسئولیت‌ها مشخص می‌شود یعنی هنگامی که از کسی نقل قول می‌کنید مسئولیت صحت آن به عهده کسی است که اولین بار آن را وضع نموده است و به شما بر نمی‌گردد. ولی چرا **reference** می‌دهیم؟ به دلیل اینکه در دنیا اگر این کار را نکنید هنگامی که متن، ایده، گفته یا یافته‌ای را از شخص دیگری نقل کنید و منبعش را بیان نکنید به سرقت ادبی متهم می‌شوید و افرادی که به این کار متهم می‌شوند در نهایت آزه خود را در مجامع علمی از دست می‌دهند و چندان رغبتی به همکاری با آنها وجود نخواهد داشت بعنوان مثال در پروژه‌های تحقیقاتی دعوت به همکاری نمی‌شوند... بنابراین برای اینکه چنین اتفاقی برای شما روی ندهد مجبورید که از این جهت هم حقوق افراد دیگر را به رسمیت شناخته و اگر از کار آنها استفاده می‌کنید در گزارش عملکرد، کار خود را با کار آنها مقایسه کنید. جهت سازماندهی منبع نویسی یا مرجع نویسی باید چند مرحله را در کار رعایت کنید. اول اینکه اگر از کار یا منبعی استفاده می‌کنید تمام اطلاعات کامل آن را به طور دقیق به همراه آدرس ذکر نمایید. به این اطلاعات اصطلاحاً **bibliographic details** یا جزئیات کتاب‌شناسی می‌گویند. مرحله‌ی بعد این است که آدرس **reference** را در فهرست مراجع وارد کنید و شماره یا مشخصه‌ی **reference** که در مرجع ثبت شده را به نوعی در متن نشان دهید. بنابراین اگر از نقل قولی استفاده نمودید باید به نوعی نشان دهید که این نقل قول را از کدام مرجع که در انتها ذکر نمودید، برداشت شده است. معمولاً جزئیات **reference** دهی یا **bibliographic details** عبارتند از: خود نویسنده، ویراستار، سال چاپ، مکان چاپ (آدرس مؤسسه‌ای که چاپ‌کننده‌ی اثر است)، شماره‌گان، سال چاپ و بالاخره شهر و کشوری که چاپخانه در آن واقع شده و چاپ انجام گرفته است. اگر **Reference** کاری که انجام می‌دهید مربوط به یک مقاله است شما مجبورید که نویسنده‌ی **article**، سال چاپ، دوره‌ی چاپ، اسم ژورنال و شماره صفحاتی که آن مقاله چاپ شده و شما به آن ارجاع دادید را ثبت کنید. برای جزئیات مثلاً اگر بخواهید از سایت یا از ایمیل‌های مختلف یا از مراجع قانونی رسمی استفاده کنید باید **Reference** بدهید. خوب است بدانید که در مراجع الکترونیک با توجه به اینکه هر روز ممکن است روزآمد بشوند و تغییر کنند و به سرعت نو شوند شما هم باید آدرس دسترسی و زمان دسترسی را حتماً دوباره قید کنید. امروزه دو روش عمده رفرنس نویسی مورد استفاده قرار می‌گیرند که یکی **Vancouver style** و دیگری **APA style** یا روشی است که **American psychology association** استفاده می‌کند. نشریاتی که در حوزه پزشکی هستند و بیشتر نشریات آموزش پزشکی از **style** یا سبک **Vancouver** استفاده می‌کنند ولی در حوزه‌ی آموزش پزشکی که حوزه‌ی بینابین حوزه پزشکی و علوم انسانی است ممکن است با نشریات آموزش پزشکی روبرو شوید که ترجیح می‌دهند از روش یا سبک رفرنس نویسی **APA** استفاده کنند. باید دقت کنید که در هر کدام از این دو روشی که کار می‌کنید و رفرنس می‌دهید، مختصات و مقتضیات خاص دو روش را استفاده کنید. مهم‌ترین شکل این است که در سبک **Vancouver**، وقتی که از یک رفرنس استفاده می‌کنید به آن رفرنس یک شماره می‌دهید. این شماره را به این ترتیب می‌دهید که به اولین مرجع مورد استفاده در متن (مثلاً در بخش **Introduction**)، شماره‌ی یک می‌دهید و مثلاً دو خط پایین‌تر به یک رفرنس دیگر

ارجاع می دهید که تبدیل به مرجع دوم و در نتیجه شماره ی دو خواهد شد . در متن ، شماره های رفرنس را جلوی نقل قول وارد می کنید . در لیست مراجع به ترتیب این اعداد به طور متوالی رفرنس ها ثبت کنید . بنابراین ، فهرست یا **reference list** در **Vancouver style** بر اساس شماره بوده و نشان می دهد که هر کدام از این مراجع اولین بار کجا استفاده شده است . نکته مهم این است که یک مرجع تنها یک شماره دارد یعنی هنگامی که مثلا در خط دوم **Introduction**، از آن مرجع استفاده نمودید ممکن است که بخواهید دوباره آن را مثلا در میانه **Discussion** یا بحث ارجاع دهید بنابراین باید باز هم از همان شماره یک استفاده نمایید . شماره ها نیز دو شکل عمده دارد که می تواند در پرانتز باشد یا به شکل **super case** یا به شکل اعداد کوچک ، بالا و سمت راست جمله ای که نقل قول شده قرار گیرد . به مثال زیر توجه کنید هنگامی که می خواهید رفرنس را معرفی کنید: **the theory was first propounded in 1993 by comfort(1) that ...** مشاهده می کنید که در خواندن ، رفرنس را نمی خوانیم ولی در نگارش رفرنس را ذکر می کنیم . اینجا به شما نشان می دهد که شما با مرجعی روبرو هستید که مولف آن آقای **Comfort** بوده و بقیه ی جمله که نقطه چین است برداشتی از آن منبع می باشد . اگر می خواهید ببینید که این موضوع از کدام منابع برداشت شده است به بخش رفرنس در انتهای مقاله مراجعه می کنید که نوشته شده :

1. Comfort A ، نام خانوادگی در رفرنس نویسی به روش **Vancouver** در ابتدا می آید و **First name** به شکل مخفف یا اولین حرف آن ذکر می گردد ، نام کتاب را ذکر نموده **A good age** ، محل انتشار لندن بوده ، مکان چاپ **Mitchell Beazley** ، سال چاپ ۱۹۹۷ ، که در واقع یک رفرنس کامل است که در اینجا از آن استفاده نمودیم :

1.ComfortA. A good age . London: Mitchell B eazley;1997.book

روش دوم رفرنس دهی که در مرجع نویسی استفاده می کنیم ، به طور مخفف **APA style** نام دارد . هنگامی از این روش استفاده می کنید که از ارجاعی در متن ، اگر از نظر جمله بندی ، کتابت جمله ، امکان داشته باشد اسامی مولفین را ذکر نموده و سال انتشار هر مرجعی که استفاده نمودید را در پرانتز قید کنید . ممکن است که جمله به شما اجازه دهد که هم مولفین و هم سال چاپ را بدون پرانتز استفاده کنید ولی اگر جمله به شما اجازه نمی دهد یا طوری جمله بندی کردید که امکان نداشته و جمله را به هم می ریزد اگر بخواهید اسم مولفین یا سال چاپ مرجع را ذکر نمایید ، می توانید هر دو را در پرانتز بگذارید . به چه شکل رفرنس دهیم ؟ در لیست رفرنس ها به ترتیب حروف الفبا ، یا نام خانوادگی مولف اول بر اساس حروف الفبا از ابتدا تا انتها چیده می شوند پس ممکن است در این روش ، مولفی که مثلا در خط دوم استفاده کردید و نام وی زوفسکی بوده و با **Z** شروع شده است آخرین مرجعی باشد که در فهرست جای می گیرد . مراجع شماره نمی گیرند بلکه بر اساس حروف الفبا طبقه بندی می شوند . به این مثال دقت کنید :

Elmes ;Knatowitz; and Roediger(1992)believed that in Psychological studies...

در رفرنس چه چیزهایی مشاهده می کنید؟ مشاهده می کنید که نوشته شده

Elmes;D.G;Kantowitz;B.H.;&roedier;H.L.

سال چاپ ۱۹۹۲، عنوان مرجع **Research Method of psychology** بوده و paul محل چاپ بوده است . پس مشخصات کتاب را به طور کامل ذکر نمودیم . شما می توانستید جمله بندی را مثلا به ترتیبی بخوانید که ۱۹۹۲ که

سال چاپ بوده را در پرانتز نیاورید مثلا : **In 1992 Elmes;Kantowitz;and Roediger believed that in psychology studies**

این جمله را می توان به صورتی دیگر نیز گفت مثلا: **In a psychological study if those believe that:** این جمله به این ترتیب بیان شود شما مجبورید تمام مولفین و سال چاپ را در پرانتز قرار دهید. موضوع مهم در رفرنس نویسی این است که اولاً اگر مطلبی را از جایی برمی دارید به آن ارجاع مناسب بدهید . اگر آدرس مناسب به سرقت ادبی متهم خواهیم شد ، بنابراین لازم است که هر مطلب یا ایده ای را که از کسی اقتباس می کنیم یا می گیریم ، آدرسی مناسب برای آن ارجاع داده و در بخش منابع ثبت نماییم که چنین اتهامی به ما وارد نشود . دومین مساله این است که شما هر روشی را که استفاده می کنید باید یکنواختی و همسانی در رفرنس دهی را در تمام طول مقاله حفظ نمایید. سوم اینکه هنگامی که رفرنس نویسی می کنید ممکن است برخی از نشریات سبک های جدیدی را اضافه کرده باشند مثلا در روش رفرنس نویسی **Vancouver** و روش رفرنس نویسی **APA** ، شش مولف اول را در مولفین ثبت می کنند و بعد اگر بیشتر از این بود از واژه ی همکاران استفاده می کنند در صورتی که ممکن است یک نشریه به خاطر سبک خاص چاپ خودش مثلا بگوید دو تا مولف اول را ثبت می کنیم . باید دقت کنید که مقاله خود را طبق مشخصات ریز یا خصوصیات ویژه هر مجله طراحی و بازنویسی نمایید و بالاخره به یاد داشته باشید که مراجع استفاده شده توسط شما ممکن است از نظر سبکی ، کاملاً متفاوت با ژورنال یا کتابی خاص باشد بنابراین همواره به فکر نوسازی و تطبیق باشید . در نتیجه **Copy paste** کردن مراجع از جای دیگر در انتهای لیست شما یک لیست یکسان و یکنواخت به شما نخواهد داد . باید ببینید از چه سبکی در نگارش مقاله خود استفاده نمودید . سبک نگارش مقاله شما به چه ترتیب و روشی بوده که بر اساس همان **style** ، مراجع را بنویسید ، نکته مهم انتهایی این است که برای تمامی مطالب رفرنس دهید.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.